



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

سال ششم - شماره ۱۴۸۰

صفحه ۱

پیر، نیند قمرانی

شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۲۸

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۷

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه شانزدهم اسفندماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور
- ۳ - اعلام نتیجه رای کمیسیونها
- ۴ - بقیه مذاکره در برنامه دولت
- ۵ - تصویب یک فقره اعتبارنامه
- ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت نه و پنج دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل شد

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟
(گفته شد - خیر) چند نفر از آقایان تقاضای نطق کرده بودند که بجلسه امروز موکول شد. صورت مجلس تصویب شد. آقای مهدی ارباب.

۲ - بیانات قبل از دستور

مهدی ارباب - حادثه دلخراش سیل زاهدان را البته آقایان محترم بسم مبارکشان رسیده است به پیروی از عواطف کریمانه شاهانه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تحت توجهات والاحضرت شاهدخت شمس بهلوی کمال اهتمام و همدردی و اقدامات خندایرستانه را میبذول داشته اند خواستم بدین وسیله و در اینجا از اهتمام جمعیت تشکر کرده باشم اما وضع زاهدان هنوز بحال رقت بار پیش باقی است یک اطلاع دلخراشی بنده رسید که جمعی از اطفال یتیم بحال نایبانی مبتلا شده اند پس از رسیدگی

بهداری معلوم شد نرسیدن غذا بآنها باعث مقدمه کوری آنها شده است تمنی میکنم در نقاط خارج از مرکز که شاید صدای بنده بسوسیله مطبوعات بانها برسد همدردی و ابراز عاطفه بیشتری بکنند از حضور جناب آقای وزیر دارائی استفاده میکنم یک تلگرافی رسیده که با حال رقت بار مردم زاهدان و وضع بیخانمانی دارائی آنها یا سخت ترین فشار مطالبه مالیات از این بیچارگان میکنند استدعا میکنم جناب آقای وزیر دارائی که همشه مشکل گشا بوده اند همیشه بداد مردم بدبخت رسیده اند (صحیح است) یک توجهی هم بحال آسیب دیدگان زاهدان فرمایند باز از حضور جناب آقای وزیر دارائی استفاده میکنم که توجهی میبذول فرمایند. مطالب بنده برای مردم بدبخت شاید با عطف توجه آقای وزیر دارائی سودمند واقع شود متعاقب سیل زاهدان

روزنامه

فهرست مصادر چاپ

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی
شانزدهم مجلس شورای ملی
آگهی های رسمی
یک سیل دیگری در بخش سیستان
آنجا را دستور دادند
شده است مقرر شده است
طور که در دوره شانزدهم
در بلوچستان شبهه ای تشکیک
در بانک کشاورزی شده است
بنتیجه میرسد تمنی دارم
در بلوچستان و دیگر تأسیس
توجه مخصوص میبذول فرمایند
بی خانمان و بی نصرت
اشخاصی هستند که در
اعانه هم نمیخواهند
میدهند وثیقه میهند
پس بگیرند بنده این
ایران ضرورت دارد
زاهدان تشکیل شود
فعلی خواستارم و
باین موضوع هائی
صحیح است
رئیس - آقای
دهقان - یک
صحبت میشود و
داده شود موضوع
بنده میخواستم
بامشوریت نمیتواند
دارم که جناب آقای
یا نظامنامه مجلس
که اینجا شد که
قبول کنند و در
شده بود ایشان

● عین مذاکرات مشروح هفتمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

« اداره تدوینی و تحریر صورت مجلس »

این سوابق در وزارت خارجه هست در پرونده‌های دوائر انتظامی شاهست. مداخلت در آذربایجان مشهور است. اینها باید در فتنان جز صفت چیزی نیستند و الا حالا می‌آیند باز اسباب زحمت شما و اسباب زحمت ملت شما میشوند چرا اجازه میدهید اینها بیایند به این منکبت روی چه اصلی شما حق داشتید این مأمور را به مناسبت سوابق که دارد تظنیر بدچرا تظنیر قید اینها جز ضعف چیز دیگری نیست. جز اعمال جز بیفکری نتیجه دیگری دارد؟ اینکه ترتیب حکومت نیست.

ما باید خوب بدانیم که این مسامحه و تامل در مناسبت خارجی جز مجال مداخله دادن و پیشرفت سیاست خارجی در خاک ما هیچ گونه فایده دیگری ندارد.

شما جناب آقای ساعد بهتر از من می‌دانید که آن روزی که خدای نخواست جنگ جهانی شروع کرد به گذشته‌های شما اگر صد چندان هم باشد کوچکترین ترتیب اثری داده نخواهد شد آن کاری را که صالح و منافع آنان اقتضا کند انجام خواهند داد ولو شما هر روز تمام وقت خود را در مقابل اعمال ناشایستی که درباره ما انجام میدهند بدهای آنان مصروف دارید. اینها فایده ندارد آن روزی که مزاج دنیا اجازه جنگ بدهد آن‌ها کار خودشان را میکنند ولو اینکه ما اینها را بجای قبله خودمان فرار بدهیم و بهشان نماز بخوانیم بطوریکه در گذشته هم دیدیم ما باید بطوریکه گفتن تازه نه هستیم حدود و حقوقمان را بطوری و ترتیبی که ممکنست محفوظ نگاهداریم. بنابراین چرا راضی میشوید بکشور شما و به مقدسات ملی ما این همه توهین کنند.

ما تاهستیم که انشاء الله همیشه خواهیم بود باید سربلند زندگی کنیم و اجازه ندهیم به مقدسات ما اسائه ادب کنند.

آن روزی هم که نتوانستیم زیست کنیم مرگ با افتخار بر زندگی تنگین و توام با سرشکستگی مزیت دارد.

این که موضوع تبلیغات و مداخلت ناروای دولتهائی که میگویند روابط حسنه بر مبنای احترام متقابل با آنها دارید. خوب است نردیم و معنی احترام متقابل را هم دیدیم. یعنی آن‌ها هر چه دلشان خواست در اینجا بکنند ما هم در مقابل آنها هیچ صدایمان در نیایند هیچ حق صحبتی نداشته باشیم این در قاموس دولت تازه یعنی روابط حسنه مبنی بر احترام متقابل است. فکر من ممکن است يك خورد مسدود و کند باشد در این باره گفتنی زیاد است ولی چون وقت تنگ است باختصار میردازم. و اما موضوع مهمتر مسئله حفظ حقوق ایران، شما جناب آقای ساعد در این باب چه اقدامی فرموده و در آینده چه عملی میخواهید انجام دهید؟

شما در برابر تجاوز هائی که با شده و در مقابل اموال و اشیاء و نقدینه ما که برده اند و نمی‌دهند و بروی مبارک خود هم نمی‌آورند چه کرده‌اید و چرا در برنامه خود در این مسائل که مورد توجه عمومی ملت ایران است ابتدا ذکر بی‌بیان نیاورده‌اید. مگر اینکه مانند مرحوم حاج میرزا آقاسی که هر چه خاک از است هم شما باشد این مطالبات ناچیز را هم شما برای خاطر روابط حسنه و حفظ دوستی

بر مبنای احترام متقابل نایب گرفته باشد (سمازی). چرا گاهی بعنوان شرفی مطالعه کرده‌اند. خوب اینکه مناسبات این طرف و آن طرف در این جا هم جناب آقای ساعد بزرگترین فرصتها برای دولت شما و ملت ایران پیش آمد و شما قدم‌ها و مقید برای استفاده از این فرصت بر نداشتید. برخلاف آنچه بنا کدک نکردند بدیگران کدک کردند اگر ما يك سیاست هائمانه و روشن و صریح میداشتیم بسیار از این منابع دمکراسی دنیا استفاده میکردیم و کشور ما را از این وضع فلاکت باری که در نتیجه جنگ و اشغال خارجی پیدا کرده است نجات می بخشیدیم ولی این سیاست روشن ایجاد نشده ما هم بطور باری بهر جهت يك خرد با این بلاسیم بگذریم با آن بلاسیم بدون اینکه یکی را از خود راضی کنیم سیاست ما را هم بطور گذرانیم، گمان میکنم بعداً هم هم بطور بگذرانیم تا به بنیم بطور میشود این سیاست باری بهر جهت و درویش ما بانه ببرد این کشور نمی‌خورد و دروای دردهای ما نیست ما باید يك سیاست روشن و صریح داشته باشیم و روی آن عمل کنیم تا بتوانیم از منابع دمکراسی دنیا برای کشور خودمان استفاده شایان بپریم بفرمائید از فرصت ذیقبت تری که در نتیجه مسافرت شاهنشاه مدبر ما با آمریکا بدست آمده چه اقدام و عمل استفاده می فرموده‌اید و چه خواهید کرد و چرا در برنامه خود از این موضوع اساسی که برای ایران جنبه حیاتی دارد و نمیشود آنرا سرسری تلقی کرد ذکر بی‌بیان نیاورده‌اید؟ برنامه از این حیث بعقیده بنده ناقص است این يك موضوع اساسی است. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مسافرتی با آمریکا کردند و بطوری این مسافرت تأثیر داشت که اگر صد میلیون دلار هم صرف میکردیم نمیتوانستیم يك همچو تبلیغات مفیدی بنفع خودمان بکنیم و ایران را بکشورهای دمکراسی و مخصوصاً بهلت آزاد آمریکا بشناسانیم (صحیح است) و یکی يك قدم برای استفاده از این فرصتی که برای ایران بوجود آمده است برداشته نشده است بنده گمان نمیکنم برداشته شده باشد در برنامه جناب آقای ساعد هم این موضوع بکلی مسکوت است.

چون وقت نیست بیش از این در مورد سیاست خارجی نمی‌توانم صحبت کنم ولی جادارد نمایندگان محترمی که نوبت صحبت گرفته‌اند در این خصوص باز بحث فرمایند تا سیاست خارجی ایران بر پایه روشن و صریحی که متضمن منافع عالی ملت ایران باشد استوار گردد و از حال بلا تکلیفی و کج دار و مرز فعلی بدر آید اما در باب سیاست داخلی، بقول تمیز خوانهای قدیم گفت مدینه گفتی و کردی کیابیم. اینجاست مطالب زیادی هست که گفتنش آدم را متأثر میکند. این اشاره لازم است که عرض کنم بعضی از قسمتهای سیاست داخلی کابینه شما آنقدر ناسف آورو بد و متأثر کننده است که ذکرش موجب آبرو ریزی برای کشور است و بهتر میدانم این مطالبات را نگوییم تا دیگران ندانند ب مردم ایران چه میگردد

مهمترین ایراد بکه سیاست داخلی جناب آقای ساعد وارد است ضعف و بیجالی و عدم قدرت در اجرای مقادیر و قوانین وسط حدود سرری و هر چه داخلی و اتحادیه‌های فاطمات است که در میان بدبینی مردم در دستگاردولی گردیده و هر کس بفکر حفظ خود بر آمده است شاید در چند سال اخیر هیچگاه دولت‌ها اینهمه ضعف و بیجالی از خود نشان نداده اند و وضع حکومت فعلی درست شبیه حکومت های ضعیف قبل از کودتا است. هر چه در این باب فکر میکنم بقلم بجای نمی‌رسد و نمیتوانم قبول کنم که ممکن است مردمی سعی کنند زمامدار کشوری بشوند و پس از حصول موفقیت تا این حد نسبت با اجرای وظایف خود سستی و اهمال بخرج دهند مگر اینکه سیاست مخصوصی در کنار باشد و بخواهند برای انجام اعمالی زمينه سازی کنند.

بهر حال از این جریانهائی که اشک به چشم گردیده و شنونده می آورد زیاد است.

خلاصه جناب آقای ساعد حکم شما را کسی در این کشور نمی‌خواند و در درجه اول مأمورین شما یعنی مأمورین دولت هستند که در قسمت‌های مختلف هر يك خودش و بی انضباط مشغول کار بوده هر کار میل دارند میکنند.

برای نمونه عرض میکنم قبل از فرارسیدن زمستان چون خلخال گرفتار قحطی بود با مکانبات مکرر بمزاج صلاحیتدار مراجعه و خواهش کردم بقدر لزوم گندم به خلخال حمل شود که زمستان و موقعی که راهها بسته میشود مردم این شهرستان عقب مانده از گرسنگی تلف نشوند. حسن نیت بخرج داده شد دستور صادر گردید دستور دادند که بخر خلخال داده شود تا موقعی که راه باز بود گندم نبرند یعنی مأمورین محلی کلم برای دولت علیه خرد نمیکردند وقتی که دولت این دستور را دادند آنقدر نکرده نکرده که راه بسته شد مردم از گرسنگی و بی نان جان میدهند و باز هم غله خلخال آن مقداری را هم که دارد توزیع نمیکند زیرا حکم مرکز را نمیخوانند و برای شما تره هم خوردن نمیکند. این مردم بدبختی که مالیات میدهند و شما نخست وزیر آنها هستید چرا باید گرفتار چنین سرنوشتی بشوند.

پست ندارند. تلگراف ندارند. روشنائی ندارند. بهداری ندارند. فاقد همه چیزند و خلاصه از مزایای زندگی بی بهره هستند. بخدا اینکه میگویم تزویر نیست اینها که میگویم بخدا برای جلب توجه کسی نیست. اینها در بدترین درجات زندگی زیست میکنند اینها مالیات میدهند شما بچه رو و بچه حتی از اینها مالیات میخواهید این مردم همان اختیار خود را بدست شما داده اند شما هیچ چیز که بهشان نیدهید اقلاً شکشان را سیر کنید در موقع قحطی. سالها بکه اینها گندم داشتند مازاد از ایشان گرفتید. يك چیزهائی نشان آدم میدهند که آدم‌ها به تشنگی می‌شود. همین چند روز قبل که يك دست از این بغتها کرد نتیجه اعمال مأمورین گندم بهشان نرسیده است از توی برف و باد رو بگیلان رفته اند صد نفر از آنها تلف شده اند. صد نفره صلفن زن و

چون این حکومت بیست و دو سال به اقتضای وارد یک چنین حکومتی این هست در زیر به چه چیزی دارد برای شما با باید آدم بقدرت قانون حکومت کند و آن مأمور دولت که حکم شما را اجرا می‌کند گوش را بکشد و بیست و دو سال به اینها نیتوانند نمی‌توانند حکومت نکنند حکومت ندارد این موقع بدعهد بدست يك مردی که میتواند بکنند تا گرفتار هرج و مرج داخلی نشویم تا گرفتار بلوا و آشوب نشویم. این درست نیست. والله بخدا من بجناب آقای ساعد نهایت احترام را دارم ایشان خودشان فوق العاده در بعضی اوقات ببرد این مملکت خورده ولی امروز يك دم قنبر بیکمردی که بتواند قوانین مملکت را ببرد اجرا در بیورد لازمست اینها عدم توجه بحال مردم بدبخت ایرانست و الله اینها که انتقاداتی می‌کنند حق دارند. تمام انبیاء و اولیاء حق دارند. آخر مرد کاز گرسنگی میبرد این که شوخی نیست (صحیح است) ولی چه سود. گفتن وقتی خوبست که امید انجام عمل در آن باشد شما ۱۷ ماه است از این مناظر واز این اخبار بیشتر بدو می بینید که حکومت شما چه نتایجی بیار آورده می‌آورد با این حال باز میل ندارید جای خود را بپروری و اگذار کنید کاز شما برای رفع این بدبختی‌ها توانائی بیشتری داشته باشد. خوشمزه اینجاست که جناب آقای ساعد مطالبی هم در برنامه خود گنجانیده اند که در گذشته خلاف آن را عمل فرموده اند.

موضوع ملین و حکمک با آنها موضوع خوش - مزه ای است که جادارد ذکر از آن بیان آید.

ملاحظه بفرمائید آقایان آمدم در سال قبل از لحاظ اهمیتی که طبقه و صنف آموزگار در این مملکت دارد و از لحاظ توجهی که مجلس شورای ملی همیشه بفرهنگ مملکت و بعملمین داشته است و از نظر اینکه حقوقی بطبقه آموزگاران میدهند حتی از حقوق مستخدم های ادارات هم کمتر بوده مجلس بنا بر استدعای من تصویب کرد که حقوق آموزگار از ۱۰۰ تومان کمتر نباشد آقا والله این ۱۰۰ تومان برای نان خالی آن کسیکه میخواهد فرزندان شما و ابناء وطن را تربیت کند پول نان خالی هم نمیشود. مجلس تصویب کرد که حقوق معلم از ۱۰۰ تومان کمتر نباشد. آمده اند رفته اند آقا و در دولت نشسته اند گفته اند این حقوق نیست. حقوق و مزایاست. شما را بخدا به بینید این ترتیب کدک بعملمین است. شما آقا این طبقه را باید يك طوری سیر بکنید که هیچ نوع تبلیغات سوء در آنها اثر نکند. يك گرسنه نگاه داشته‌اید و شما میخواهید که بچه های شما را با ایمان بربار آورده و میخواهید که بچه های شما را باشکم گرسنه درست باز بیاورید و تبلیغات سوء خارجی در این اثر نکند.

آخر این چه کمکی است؟ آنوقت آقای ساعد توی برنامه‌شان نوشته اند کدک بفرهنگ اگر کدک اینست خدا بداد اینها برسد. بنده نظرم اینست که این سه شاهی حقوقشان را هم قطع کنند. صحبت را کوتاه و خلاصه میکنم و بطور مختصر و مفید و برای ادای وظیفه وجدانی در محضر نمایندگان ملت ایران عرض مینمایم که محصول حکومت ۱۷ ماهه جناب آقای ساعد و نتیجه حکومت آینده ایشان ایران را يك بلوا و شورش داخلی که خارجیان با کمال زبردستی آنرا بی ریزی میکنند مواجه خواهد ساخت آقایان

این يك مطلبی نیست که از اش سرسری بگذریم این مطلب که عرض کردم از روی عقیده عرض کرده و هر وقت هم موقع حساس بوده بنا به ادای وظیفه ملی چه در روزنامه و چه در مجلس عرض کرده ام خلاصه تکرار میکنم وضع بسیار حساس ما داریم که اگر توجه نشود مواج با يك وضع بسیار خطرناکی میشود که دیگر تیشود جلویش را گرفت برای اینکه این دغه با يك تجربه بیشتر و با يك متد بقول خودشان صحیح تر ازند ب سراغ شما می‌آیند. قشون خارجی ب مملکت ما نخواهد آمد. آقایان لازم نیست برای اینکه الان دارد از زیر برای شما يك زمينه بهم زدن افکار عمومی را فراهم میکنند (صحیح است) و هیچ چیز هم جلوی آنرا نمیگیرد جز اصلاحات. جز کاز برای مردم، جز خدمت برای مردم. آقایان اگر پیش از این پشت گوش بیندازیم مملکت بروزی میرسد که دیگر بعد نمیتوانید جلوش را بگیری و باید پشت دستتان بزنید و بگریزید. ندارد و ناسف سوری ندارد چون چند نفر از نمایندگان که افتخار همکاری آنان را در فرا کسیون کار دارم در اینجا صحبت خواهند کرد بنده به صحبت خود خاتمه میدهم و به جناب آقای ساعد عرض میکنم که:

شما جا داشت همان روزیکه بنده گمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مأموران فرمودند که کابینه جدید را تشکیل دهید برهوشان میرسانید که قادر به زمامداری در این موقع باریک نیستید.

قبول بفرمائید که وضع کشوری نیست و اگر باز جریان فعلی ادامه یابد بطور قطع و یقین پیش آمد های ناگوار و در انتظار خواهد بود.

شما که از رجال خوش نام و مین پرست هستید و از استدلی نخست وزیر می‌توانید که شهرد است سوه استفاده نکرده اید و فرمان ستاوری را هم در بغل دارید و خودتان هم خوب میدانید که مرد میدان اداره کشور با وضع فعلی نیستید شرط مین پرستی و علاقه باین آب و خاک این است که پس از بازگشت اعلیحضرت همایونی استغفار خود را باستان مبارکشان تقدیم دارید تا مردی که توانائی برابری با این اوضاع و حل مشکلات و معضلات امور امروزی را دارد مأمور تشکیل کابینه فرمایند و باین تشنج و یأس عمومی خاتمه داده شود و بیاری خداوند تعالی که همواره نیکبخت ایران عزیز بوده است و تحت توجهات خیر خواهانه شاهنشاه و با مساعی نمایندگان مجتهدین اسباب رفاه و سعادت این مردم فراهم گردد.

این است آن شرطی که با شما دارم و قول میدهم باین ترتیب و با قبول استدهای بنده همیشه ارادتمند و موافق بلا شرط شما باشم.

حالا توجه فرمودید جناب آقای فولادوند

رئیس - آقای دکتر جلالی

دکتر جلالی - بنده قبل از اینکه وارد صحبت بشوم يك نکته می‌رایم و استم بر عرض آقایان برسانم که این یکی دو روز آخر در جراید دیده میشود که صحبت های مجلس را تاویل و تفسیر مختلف میکنند. اگر يك ناطق نسبت بیک سیاستی بعضی بکنند ما نظری با فراد کابینه نداریم آقایانی که اخیراً در این کابینه وارد شده‌اند و در کابینه قبل نبوده اند اینها از رجال خوب ما هستند و اگر متلاجناب آقای هلاجناب دکتر نصرمدنی در امر یکا بودند و اگر بعضی صحبت‌هائی میشود مربوط

با آقایان نیست کابین بشراروی آقایان میکنند و رویش نتایجی میگردد. حال مجلس از این امور بری است و این رجالت را احترام میکند و به آنها اطلاع دارد اگر موافق و مخالف هم صحبت بکند و بیک ایرانی است که هر کس نظری و عنوانی میشود الامتخالف اصلی و واقعی کسی با کسی ندارد.

جناب آقای ساعد بسیار متأسفم که بیاناتم را با مخالفت و انتقاد از برنامه تقدیمی سر کار شروع مینمایم گله مردم از جناب عالی و دولت سر کار بسازولی سعی میکنم آنچه بیشتر مورد توجه و اهمیت است متذکر شوم.

مقدمه عرض میکنم عقیده بنده اینست که اگر بهیئت دولت بخواهد حقیقتاً کار کند برای مردم با آن اجتماع مفید افتد بهتر است تا برنامه بسیار کوتاهی تنظیم و در سراسر آن اموری را که مورد نیاز روزانه مردم است تصب‌العین قرارداد و در اینجا آن ساهی باشد نه آنکه برنامه طولانی تقدیم کند که فرائض ملالت آوار است و بر خواننده مسلم میدارد که قصد انجام کاری در پیش نیست و مردم را بیاد مرانامه های احزاب خودمان میاندازد که حصولش ایده آل و آرزوست.

اگر جناب آقای ساعد يك موضوع. مثلا فقط بیکاری را برنامه خود میگذاشت و با کمال رشادت میگفت ما هیئت دولت تصمیم داریم بیکاری را از میان برداریم و یا بتعقیف محسوس در آن دهیم من و حتی آقایانی که با کمال سختی با کابینه شما مخالفت موافق مسلم میشدند.

هما اگر میگفتید دولت من شکم گرسنگی ترا سیر خواهد کرد و تنها این جمله برنامه شما بود دوستان ما نه تنها اعلام جرمها و غیر آنرا فراموش میکردند بلکه دست شما و همکاران را صمیمانه میفشردند و با کمال علاقه و خلوص نیت برای همیشه پشتیبانی مینمودند وقتی این جملات منظوم و مقفا را میخوانیم و در کابینه گذشته شما غور و تفحص می‌نمایم بیشتر مایوس و نا امید میشویم.

بهر حال و اما مواد برنامه :

در قسمت سازمانهای ادارات دولتی تجدید نظر در سازمان وزارتخانه ها، مبارزه با فساد و تشویق خدمتگزاران وظیفه شناس و صدیق و سعی در بهبود زندگانی آنها جمله تجدید در سازمان بسیار جذاب است این همیشه بهترین وسیله برای اطفاف آتش خشم کارمندان دولت و مردم با فریب ایشان است. در برنامه ها وجود دارد ولی هیچگاه لباس عمل بخود نمیپوشد و بزرگترین مانع آن اینست که ادارات ما هیچ وقت کارمند را برای کار نمیخواهند بلکه کار و معمل خدمت بملت وجود کارمندی بوجود می‌آید آقا زاده - نور چشمی پیدا می‌شود معمل باز میشود بوجود می‌آید تصویب نامه صادر میشود و اگر لازم بود قانونی بمجلس می‌آید که فقط يك نفر می‌تواند از آن استفاده کند.

تازمانی که صلاحیت و نظر موجود است اصلاح سازمان مقدور نیست اگر واقعاً می‌خواهید در ادارات بهبودی حاصل شود حساب کنید که يك کارمند مزین زندگیش چیست خانه، خوراک، پوشاک، مضارح تربیت و بهداشت زن و فرزندانش چه میشود و بر این فاعده بیا به حقوق کارمند را مین فرمائید اما بشرطی که

جلوی سبیل زرقی هزینه زندگانی هم بکفایت حلوی وزدانی که بنام میدان دارو غیره در مردم راسی میکند بکفایت تا کارگر و کارمند بتواند با فراغ البال مشغول کار باشد .

شما هنوز ترفیحات دو سال اخیر و حتی در بعضی موارد ۲۶ کارمندان را نبرداخته و شاید حتی نداده اید این مؤثرترین تشویق خدمتگزاران است از این گذشته

عیب مهم اینست که اصلاح و تجدید نظر و تصفیه در قاموس تشکیلات مأمونی اش اینست که اگر کسی بروی کار آمد تمام رفقا و دوستان و قوم و خویشان خود را حتی از خارج بکار میکارند و این را تصفیه و تجدید نظر میدانند ابتدا توجه میکنند که در این مؤسسه کارمندان با سابقه کار آموخته در دست و صحیح العمل وجود دارد زیرا در گوشه و کنار عاطل و باطل میمانند من حق میدهم که در یک وزارتخانه رئیس دفتر ویا مثلا عضو مربوطه نیز با وزیر در تغییر باشد ولی باین حرفها

اکتفا نمیکنم و از صدر تا ذیل بدون هیچ دلیل وغالباً بعلت مقصبات اداری یکی را بر میداریم و دیگری را بجایش می گزایم اگر اصلاح مفهومی بشود بیرون کردن کارمندان ادارات است این خرابی است نه اصلاح دولتی که بیاید و برای مردم کار تولید کند ما صمیمانه پشتیبان او هستیم دیگر همه از حرف خسته شده اند و فریب عبارات و جملات ظاهر اصلاح را

نخواهند خورد . این کارمندان هر روز مورد تعقیب این و آن واقع میشوند و حال آنکه از طبقه فاضل و روشن فکر کشور را تشکیل میدهند .

آقای نخست وزیر باید بدایت تبلیغاتی که بر علیه کارمندان دولت میشود مبنی بر اعتراض و برای اینست که مردم را معروب از این عده و آن هم هر روز با روحیه متزلزل در پی تثبیت مقام خود بوده و ازین بازار آشفته عده بنامد کاردار میدان دار صاحب کارخانه سوء استفاده کنند .

شما در تشکیلاتتان هیچ اصول و انصاف را هم رعایت نمی فرمائید و با کمال تأسف ناچارم بگویم که شاید خدای نکرده تعمیری در کار است، سازمان برنامه که برای تهیه کار بوجود آمده و بکمر تبه در این شبعبید در باب هفتصد نفر را بیکار کرده این هفتصد نفر شاید برای هفت نفر مقدر باشد بطهران بیایند و با ما بدینال کاری روند، آنها هم بعد از آنکه تاکنون یک نفر هم مجدداً مشغول کار نشده در همین یکی دو ماهه در شمال ادارات و کارخانجات بیش از چند هزار نفر را بر بیکاران افزوده .

بخدا . اگر دستگاهی با بودجه هنگفتی برای تغریب این کشور و سازمانش مشغول شود بخوبی شما قادر بانجام نبود .

تشویق خدمتگزاران و طبقه شناس که یکی از جملات شعرین این برنامه است که چنانچه ادب اجازه میداد نام بعضی را میبردیم تا ملاحظه فرمائید در برابر طبقه شناسی چه پاداشی یافته اند .

هیئت تصفیه هم نمکی بر این جراحات پاشیده، در وزارتخانهها اعلام گردید که هر کس عنوان بازرسی دارد این ماه حقوق ندارد این تصفیه است یا تقلیل و حال آنکه باید از صاحب منصبان بی نظر و هالی قدر هنر وزارت خانه نظر گرفته و تقلیل از نایابان

کند .

تصفیه هم هر روز کار خود را تغییر میدهند ،

مقیم جزو وزارتخانه یا آنکه وزیر جوان و باصلاح وارد بر اه خاطر هضمی ایجاد مقام معاونت هم نموده اند تنظیم و تقدیم طرح قانونی جدید استعماری کشور و تأمین معیشت کارمندان عیالانی است که همیشه بکوش ایشان خوانده اید و البته آنها هم بجای نخواهد رسید ولی امر مهمی که باید مورد نظر آقایان باشد رتبه های بی بند و باری بوده که حکومت های گذشته برای عوام فریبی دادند بدون آنکه توجهی بقصد است

بندی آن کنند از خاطر بگذرانند که آتوق دولت هم مانند شما ناچار است برای جبران این عمل ترفیحات حقه و قانونی کارمندان را در سالهای اخیر مشمول فراموشی نماید .

بظنر بهترین بود که بجای این ترفیحات پایه ۹ اش را بالا ببرند، بهرحال پایه های استعماری شما ارزش و احترامی ندارند و اگر در نزدیکترین فرصت اصلاح کشور و مانند ۱۷ ماه گذشته زمامداری شما در برونه اجمال افتد وضع کارمندان بهبود نیابد خطر عظیمی خواهد داشت .

وضع مالی کارمندان بسیار بد اعتماد بکار و زندگیش بسیار بد، اگر دزدی با اداراتی شخصی نداشته باشد تا چهار باید بدون محل مقروض باشد (ناصر صدی - همه شان مقروضند حکم و ابلاغ از دولت شما پروانه دزدی و چپاول است .

در قسمت دادگستری بظنر میرسد آنچه محتاج میباشیم قوانین کافی و لازم تدوین و تصویب گردید ولی اجرا آنها بر اقتصادیان امور بدخواه خود تغییر و تفسیر یا تعطیل میکنند و با مقرراتی باطل و نظر خود معمول میدارند ازینها گذشته کسانی که مداخله آنان خلاف صریح قانون و مقررات است دخالت مینمایند .

جناب آقای ساعد، خود شما در خلال این مدت یعنی فترت بیش از حدود و اندازه دراموری که بر حسب قانون حق مداخله نداشتید اعمال نظر فرمودید چه قدر احکام متضاد بدست مردم هادید .

شما در مدتی که زمامدار بودین مزاحم در این کشور بودید جز خرابی چه کردید شماها خودتان خلاف قانون اساسی و سایر مقررات و قوانین قضائی عمل فرمودید اگر این دولت شما توانست از شما شروع کند برای مملکت کافیت، تسریع در امور دادرسی معنی ندارد و مقرراتی خلاف آنرا ایجاد نمی نماید شما خود موجب کندی کارید، کاری که چهاراد گاه بزحمت میگذاشتند بیک دادگاه واگذار میکنند این تسریع در امور دادرسی است . الان عده بیشماری برای آنکه یک دزد شاید در مازندران دزدی کرده گرفتار نشده باشد باینهایی گناه هم وجود داشته باشد ما تقاضا داریم برای خدا بکار اینها زودتر رسیدگی فرمائید محکوم یا حاکم، مراحتشان کنید، موضوعی دیگری که امروز شنیدیم قفاری نام تاجری ورشکست شده پدر و برادر و خواهر او را هم توقیف کردند این چه زندگی است .

در قسمت اقتصادیات: بند اول از زیاد صادرات جلوه گیری از واردات تجملی، مهمترین وظایف دولت کذب که تولید محصولات مرغوب و تشویق بصورت در آنست ین و برنج و چای که محصول عمده مازندران است .

در مورد ین چنانچه به گذشته نظر میکنید در قابل تعجب این است که دو ماه قبل دولت تصویب نامه صادر نمود که لویای سفید موجود صدور آن تا اول شهریور ۲۹ آزاد است که چون به تنزل بازارهای خارجی برخوردار یک کیسه هم خارج نگردید چند روز قبل هم در روزنامه دیدم که بموجب تصویب نامه دولت ورود حبوبات که تا اول اسفند وارد کمر کات شده آزاد و پروانه ورود بدهند، معنی سیاست اقتصادی همین است که در اثر فشار صاحبان اجناس داخلی تصویب نامه برای صدور میگذاشتند و هنوز یک قلم

زمنه اهل بیخبرند طبقه می بینم در اکثر تهیه بفر شوب و تقویت راهب از جهت سعادتمندی و سعادت و تثبیت دولت در سال ۱۳۱۰ شمسی ۲۷ هزار تن بینه که الیاف آن بیک تراخت بود زائد بر مصرف کارخانجات داخلی صادر گردید بعد از شهریور ۲۰ و مخلوط نمودن تم بینه ها با هم کار باینجا رسید که در ۲۲۳ حتی برای مصرف کارخانجات داخلی هم بینه از مصر وارد نمودند باین که بعد از انزال بانک صنعتی تشکیل شرکت های کوچک منجمله شرکت بینه اقدام شد و بینه هایی بستاندین بطل و تفصیل زیاد نتوانستند اداره نمایند چه در صورت تشویق حداقل در مازندران و کرگان ۶۰ هزار هکتار بینه کاری میشود و حالا که بینه دوم اسفند است و باید تمام مقدمات کار را فراهم بیمان بسته مشاهده بزارهین را برداخته و تعویب بزارهین شده باشد بیمان بسته نشده و زارهین و هر کت بیلانکیف میباشد اگر به مصر که یک مملکت صادر کننده بینه است نگاه کنیم چون قلم عمده درآمد آن کشور از این محل است دولت برای تهیه این محصول از هیچ کمکی خود داری ننموده و تمام محصول را خریداری و بعداً بایک مملکت دیگر معامله مینماید و اخیراً شنیدم که چندی قبل در یک فقره معامله بینه ۴۵ میلیون دلار دریافت داشته است.

اگر دولت شما هم باین امور هلاقه داشت در این مدت توجهی فرموده و شرایط آن که تهیه بفر خوب دادن مساعی کافی برهت و وسائل تشویق آنان از جهت تعویب و پرداخت قیمت فراهم مینمود و سیاست اقتصادی خود را حفظ مینمود و باین وصف شما کسی که در این کشور درجه اول را در صدور بینه ها از گردیده بجای کمک و مساعدت و تشویق منتسهای تنبیق را فراهم کرده اید، قرار بود که راه آهن ۷۵ درصد کرایه را در امور صادراتی تخفیف دهد و حال آنکه قبلاً ۲۵ درصد تخفیف میداده حال آن تخفیف را هم نمیدهند .

قسمت دوم محصول شمال برنج است بعلت کم لغتی و عدم توجه سر کار الان برنج محصول دوساله در شمال باقیمت سال قبل مقدار ممتناهی یوسید و بدربار ریختند .

این جنس صادر نشده تصویب نامه ورود همان جنس را صادر میکنند (صحیح است)

(اسلامی) - آن صد میلیون تومان را هم بفرمائید) میگویند یک مقدار جنس موعود در کمرک بوده در حدود صد میلیون تومان دستور داده اند آزاد شود اجازه ترخیص داده اند.

خلاصه حفظ سیاست اقتصادی این مملکت بدست شما غیر عملی و بهتراست هیئت از اشخاص بصیر با توجه باوضاع بازار دنیا قسمت اقتصادی را اداره نمایند، ما نمایندگان مازندران مکرر بعرض شما رساندیم که تنزل قیمت برنج مولود عدم صدور آن است الان برنج ارزنازترین محصولات این کشور است مردم مازندران که تقریباً وسیله اعاشه و زندگیشان برنج است گرفتار پیرشانی و هسرت بیحد و حصری گشته اند .

آقای ساعد، مکرر بعرض شما رساندیم که راه بهبود این وضع صدور مطلق برنج و اعطاء مزایایی به صادر کنندگان برنج چنانچه اگر خاطر آن باشد بر اثر اصرار، شما حاضر شدید که تصویب نامه برای مقدار معینی صادر کنید ولی ما آزادی مطلق صدور آنرا خواستیم و تصویب نامه برای مقدار معینی را شما باتمام سماجت حاضر نشدید که صدور آنرا آزاد کنید و با این عمل مردم شمال را بفر و نیستی هدایت فرمودید و با کمال تأسف شراره آتش فقر در آذربایجان را باز نهران کشانیدید (صحیح است)

و توجه فرمودید در مرزی که مجاور کشوری با رژیم اشتراکی است تهیه زمین و استعداد برای انحراف و هضمی گناهی غیر قابل عفو است .

موضوع وام بکارخانه های داخلی که مسخره و بصورت رفیق بازی در آمده در شهسوار مردم بامید سازمان برنامه کارخانجاتی وارد نمودند ولی اعتبار مطلق سازمان بدست مشرف الدوله معلوم الحال است که جز در موارد لازمه بحدی باین سادگی ها کمک نمی نماید .

از این دستگاه جز تشریفات و دفتر و مخارج بیهوده تاکنون ثمره هاید ندیده، یک شرکت پارچه در شمال بدست خود درست کرده اند و پارچه های کارخانجات شمال یک جا بلع مینمایند چند روز دیگر که چون پارچه های خورده را خواستند یک نجوی سرش را بهم میدوزند و کیلی، وزیری بصلح و صفا کار رایایان میدهد در مقابل به کارخانه یکشاهی عاید نشده ولی چند نفر میلیونر شده اند و عده بیشماری کارگر بیکار، زیرا می بینند نتوانستند در این کارخانه خرج و دخل کنند چند ماهی هم ضرر می دهند و بعد درش را می بندند . (اسلامی) - صحیح است ولی آقایان وزراء گوش نمیدهند (از دلان - آقا بین الاثنین صحبت فرمائید)

وضع بانک کشاورزی بسیار پیرشان است؛ اوضاع پرسنلی آن بقدری مقشوش است که حدی بر آن نمیتوان تصور نمود، حقوق حقه کارمندان جوان و درستکار در این بانک در اثر نادرستی مدیر عاملش و افراط بیحد و حصری که آن جناب اعمال میدارند تضحیح هده خائنین هم روزه مورد تشویق و موفق

به دریافت زمین و اوقات و نادمین علاوه بر آنکه بست های حساس با آنها داده نمیشود حقوق حقه ایشان هم بهدر میرود

اما اوضاع فنی این بانک بقدری فاسد است که وقت اجازه نمیدهند که هزار یک آن گفته شود یکی دوتای از آنها را بطور نمونه حقه انتر وجود شان باقیست عرض میکنم در کابینه آقای حکیمی که دولت تصمصم بجمع آوری اتومبیلها گرفت آقای میرزا لقمان خان در حالی که دولت هزاران اتومبیل را از اختیار استفاده کنندگان گرفت با بیست هزار تومان از پول بانک اتومبیلی برای شخص شخص خود خریدند که در همان موقع گذشته از ایشان بدیگران سواری میداد .

در آبانماه ۲۸ برای وکیل شدن از کرمان با اتومبیل و شوفر بانک بکرمان میرود و پیش از یکماه در کرمان توقف مینماید و برای انتخاب خود فعالیت میکند و قبل از رفتن خودشان چند نفر از کرمانبهای عضو بانک کشاورزی را ظاهرأ بعنوان بازرسی و باطناری تبلیغات انتخاباتی بکرمان اعزام میدارند در این مسافرت آقای لقمان تقیسی ماشین بانک را بکنی فرسوده نموده و مبلغ گزافی بابت تعمیر از بودجه بانک برداشته، بملازمه با تلفی هم بابت حقوق و هزینه سفر بر بودجه بانک تحمیل میشود . آقای ساعد آیا هزینه انتخابات اشخاص را هم دولت مرحمت می نماید؟ کارمندان بانک کشاورزی صندوقی بنام صندوق پس انداز دارند که هر ماهه مبلغی از حقوق مستخدمین کسر و جمع میشود که در موقع احتیاج با آن قرض داده بشود و با آنکه این پول متعلق بایشان و کارمندان مقدم بر هر کس می باشد آقا قلمهای درشتی بدوستان و پشتیبانان خودش که در خارج بانک هستند میدهد . ظاهرأ اخیراً ۵۰۰۰۰ تومان از این پول بوزیری برای تثبیت مقام خود داده (دکتر سجادی - اسم ببرید)

در این کابینه نیستند (یکی از نمایندگان - اسم وزیر را بفرمائید آقا) عرض کردم در این کابینه نیستند و بسیار مضحک است که عنوان این قرضه را چنین بیان داشته اند که چون این آقای وزیر یا زنده سال قبل در این بانک عنوان بازرسی داشته بعنوان حق آب و گل بایشان داده می شود و حال آنکه مبالغ بسیار نا چیزی را که کارمندان بانک تقاضا داده اند نمی پردازند . پرونده مربوط بسرقت یکی از اعضای بانک بنام فریاد چند سال است در دیوان کبفر مطرح است که مدعا به بیش از ۱۰۰۰۰۰ تومان است . اگر این پرونده درست رسیدگی شود بسیاری از سران بانک در این جرم معاون و شریک خواهند بود . ولی تاکنون دستهای قوی مانع از رسیدگی باین پرونده شده . اخیراً یکی از اعضاء عالی مقام بانک کشاورزی مأمور رسیدگی باین پرونده شده پس از مطالعه و رسیدگی دقیق معاوین جرم شروع با مقامات می نمودند که آقای رئیس هیئت مدیره بآن عضو عالی مقام دستور میدهند که از تهیه گزارش و ادامه رسیدگی خود داری نماید دولت و سازمان برنامه موظف است که هیئتی از اشخاص صالح مأمور رسیدگی باین امر نماید و مجرم اصلی و معاوینش را پیدا کند در اثر عدم توجه و اولیای امور بانک کشاورزی

امروز تبدیل بیک بنگاه سفته بازی شده است مطالبات بانک درست وصول نمیشود مأمورین خاطی و خائن آن مجازات نمی گردد و از خادمان آن تشویق نمی شود .

از اکثر شعب بانک من جمله در کرگان، شاهرود سبزوار، تربت حایری، ازبک، میلبون بانک بلا وصولی و مشکوک المطالبه و مطالبات موقوف دارد و بواسطه اهمال و تسامح در اجرای وظیفه و دلائل دیگر امیدوی به وصول آن نیست .

بنامه های محرمانه رئیس شعبه شاهرود که در تاریخ ۲۸ و ۲۹ و ۲۸ و ۲۹ طی شماره ۲۴۳۹ و ۴۴۱۰ تقدیم هیئت مدیر شده و از شخص نایب و یکی از مأمورین خاطی با استدلال کافی شکایت گردیده و بازرسی اعزامی بانک آقای یونس که شخص درست و پاک است تأیید نموده و قلمی نگذاشته و در عوض تسلیم این مأمور بداد گناه برای چپاول مال و منال دولت بایست بهتر و اختیارات وسیعتری بریاست بانک کشاورزی قوچان منصوب گردیده، وجود رشاه و ارتشاء در اغلب شعب بانک منجمله در شعبه بیرجند بثبت رسیده و بازرسی اعزامی بانک پس از سه ماه بازرسی طی نامه محرمانه کضمیمه آن متجاوز از بیست صفحه تحقیقات است بر رئیس هیئت مدیره بانک گزارش داده، مع الوصف با وجود اینکه هفت ماه است از تاریخ تقدیم گزارشها میگذرد و تاکنون هیئت مدیره بانک کوچکترین اقدامی نسبت بمأمورین خاطی و راشی نموده و مأمور مجترم با فراغ بال در شعبه مذکور باقی مانده ولی امر موجب استعجاب زیاد شده و در این باره فرماندهان بیرجند از ارسال اطلاعات لازم طی نامه شماره ۳۱۰۶ مورخ ۲۲ و ۲۸ خودداری نکرده است بهرحال بانک کشاورزی آبروی ندارد و بازار سفته بازی لقمان و اعوان شده و اگر سرپوشی که روی آن گذاشته اند برداشته شود نمیتوان باین مؤسسه عام المنفعه که توسعه آن مورد توجه اعلیحضرت هایبونی است و نمایندگان محترم نیز به پیشرفت امور این بنگاه اهمیت خاص می دهند امیدوار بود و با ادامه این اوضاع باید از آن دست شسته و مایوس بود .

در قسمت کشاورزی زارع و خرده مالک حاصل دسترنج خود را بعد از ممکنه میفروشد و مایحتاج خود را بگرازانترین قیمت میفروشد تنزل محصولات داخلی عمران و آبادی اراضی را مجال ساخته زارع که با تمام رنج و مصیبت قادر به فراهم ساختن قوت لایموت خود نیست چگونه ممکن است بمران زمین خود بپردازد .

شما لقمه را از پشت سر بدین میبرید در جنوب زارمین گندم فراوانی داشتند و هر چه اصرار کردند اجازه ندادید با آذربایجان بیرنه که هم محصول آنان فروش رود و هم آذربایجان در تنگی و هسرت نباشد ولی متأسفانه گذشته از این که اجازه ندادند تسهیل لازم ننمودند سرمایه ارزی کشور را بدولتی که بما بدسکار است و حسابش را نمی پردازد تقدیم و این وضع سخت را فراهم ساختند .

اگرچه منظور فانی جمع آوری مازاد غله بهبود حال رعیت و مردم بود ولی ناتوانی دولت با آن را بصورتی در آورد که آقای گلشانیان که در این کابینه هم وزیر دارایی میباشد بفکر افتادند که زمزمه القاه

مذاکرات مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

این امر را فراموش سازند خوشبختانه اهل حضرت هابون شاهنشاهی که هواره رفاه حال مردم را آرزو دارند اشاره فرموده اند ولی با تردید و دو دلی سرکار تصور انجام این را هم ندارم مگر آنکه زورتان نرسد و ناچار صرف نظر کنید .

یکی از معمولات مفید شمال جای است که متأسفانه به علت مساعدت دستگاه شما مخصوصاً در هواره بوضع بسیار بدی افتاده و هر ساله وزارت دارائی مبلغ هنگفتی ناچار ضرر خرید آنرا میدهد و حال آنکه اگر در تربیت و اصلاح این محصول سعی شود بسیار سود و وسزاست .

یکی دیگر موضوع حفارچاههای آب مخصوصاً آرتزین است که دو سه نفر در مازندران (بابل) عمل نموده و آب خوبی فوران کرده ولی متأسفانه به علت نداشتن دستگاههای زمین شناسی تعیین محل چاه به نتیجه اطمینان بخشی نرسیده و با وجود این دستگاههای حفاری و طولی وزارت کشاورزی بنگاه آبیاری بانک کشاورزی جزئی توجهی باین قسمت نشده در صورتی که با حفار چاه با اصول علمی به بی آبی مازندران میتوان خاتمه داد .

پیرروز قریب هشتاد نفر از مردم نوشهر آمده بودند و از متصدی املاک آن حدود شکایت داشتند بعضی اظهار من و ایشان اداره کل املاک شاهنشاهی با تلگراف و مأمور فوق العاده نظر این مردم را انجام داد این یک مؤسسه است که کارش از شما جداست میفهمد چه جور کار میکند مؤسسه برق ما با شما بود وضع بسیار بدی داشت حالا خودش را از شما جدا کرده با کمال شدت مشغول کار است .

در قسمت وزارت چنگ تصور میکنم تنها دستگاهی که تا حدی وضع منظمی استوار است ارتش است و آنهم شاید باین علت است که شما مداخله ندارید فقط گاهی دخالت بيمورد بعضی از مأمورین خارج و تجاوز آنان از حدود قانون موجب زحمت است .

موضوعی که اخیراً موجب زحمت است اینست در استفاده از سربازان وظیفه رسم و قاعده اینست که جوانترین آنان دهنوت شود و حال آنکه شما در دهنوت قدیمی تر بیشتر سعی مبدول میفرمائید .

در قسمت وزارت خارجه در اینجا با آنکه کاربرد شماسات بسیار کج سلیسگی بخرج داده اید در دنیای امروز و با وضع فعلی ما جهت مکانی و بیطرفی از هر سو تملق گفتن مایه ضرر و زیان مسلم است باید با روی روشن بدین وضع خود را اعلام داشت دیگران از ما بسیار هشیار ترند و خوب میدانند که این ضعف اولیاه امور است که قوت تصمیم ندارند هیچیک از دو بلوک با اهتائی نخواهد کرد از نفع مسلم یکی ازین دو معرور خواهیم ماند و ضرر یک یا هر دو را با آفوش باز استقبال کرده ایم .

در قسمت وزارت دارائی قوانین مالیاتی شما غالباً ناراست، بالاخص قانون مالیات بردرآمد که بسنخه بیشتر شبیه است مودی خود را مطلقاً بدون مابندی، شوا بازدید کنندگان او را مدیون مبلغ گزافی میدانید او همه نوع راه تشبث و فرار دارد . شما هم وسیله اجعاف و ظلم

دوسال نماینده بزرگان در کمیسیون تشخیص مالیات بردرآمد بودم با آنکه اعضاء این کمیسیون مردمانی مؤدب و تا حدی با انصاف و بلاول بن هم محبت و احترام داشتند نتوانستم کوچکترین عمل مثبت و مفیدی بکنم و همه را در چنگ و نزاع با ایشان گذرانیدم بدون وجود و حضور من که نماینده مودی بودم کمیسیون تشکیلی و رأی نماند ، حاکم بود بیارت دیگر معنی و مفهومی نداشتیم کسانی که باید مالیات حسابی بدهند باینکه تلفن یک صدم مبلغ حقیقی را نبردند و کسانی که دهشاهی مالیات بردرآمد را مشمول نبودند به بیش از هزارها ریال محکوم میشدند (صحیح است)

بی مزه نیست دو سه بیرونه در این موضوع را برض برسانم .

از جوانی که پدرش طبیب فوت نموده بود مالیات بر درآمد شغل پدرش را مطالبه می نمودند میگفت من تمام ارنه ام که مبلغی قرض است بشما و گذار می کنم باز ولس نکردند و برای حفظ آبروش که طبیب جوانی بود به بیش از هزار ریال محکومش نمودند . دیگری پزشک نظامی بود و تقاضای بازرسی نمود . مکرر بازرسی بمطبخش رفته بود نه پزشک و نه بیماری یافته بود ، بالاخره با یادداشت و اطلاع قبلی توانسته بود پزشک را ملاقات کند ، اما نتیجه باز پرسش میدانید چه بود ؟ این بود به مطبخش رفته نه بیماری دیدم نه خود او را . ولی دستگاه منزل و مطبخش ایجاب میکند که مالیات بر در آمد حرفه پزشکی خود را در حدود

درآمد پنجاه هزار ریال بپردازد ، تعجب فرمائید اگر بگویم پزشکی بود در قبال ادعای بی حد و حصر اداره مالیات بردرآمد میگفت که من پنج برابر مورد ادعا را بکسی جائزه میدهم که نه بیمار بلکه مراد مطبیب تواند بیاید آقای دکتر طباهم حاضر بودند اینست قوانین عجیب و غریب مالیاتی شما . یا اینکه من معتقدم با تصیقاتی که شما در دوره گذشته برای پزشکان روا داشتید حق بود از این مالیات حرفه کارمانند کتانه و مایر عبدالله نمیشود و در حقیقت مالیات بر علم است صرف نظر و اجازه دهید که رفاه بیشتری در اوضاع آنان و مردم شود . تخصیص قسمت اعظم بودجه کل کشور به بهداشت و فرهنگ و صکارهای تولید را می گوئید و با علم بعدم قدرت ادعا میکنید ۸۰ درصد بودجه حقیقی شما هزینه پرسنلی است . وزارت بهداشتی اگر موفق شود تا حدی سازمانش را کافی تر و منظم تر از سال پیش معین کند قریب به نصف بودجه فعلی کمبود دارد . سال قبل حساب میکردیم که برای هر فرد ایرانی در سال ده شاهی بودجه دوائی داریم که آنهم یک قرص مسکن نمیدهند . با آنکه بسیار علاقه دارم استعمال تریاک در این کشور ترک گردد و استعمال آنرا گناه عظیم میدانم ولی کشت آن موجب زیان و ضرر فراوان کشور است شما معصولی که قائم مقام آن باشد ندارید . از این گذشته منع کشت تریاک ، ترک استعمال آنرا حاصل نیسازد بلکه چنانچه دیدیم قاچاق از

خارج کشور بفقرو بدبختی ما میافزاید . توجه در اجرای برنامه هفت ساله که آرزوی ماست ولی راهی که آقایان میروند به ترکستانست فعلاً تا کنون جز صرف مخارج فوق العاده پرسنلی لطفی و مرحمتی نفرمودند . در قسمت وزارت راه - با آنکه بامورین باهوش این وزارتخانه و راه آهن بسیار معتقد و علاقمندم باید بگویم راه و راه آهن ما بسیار بدست راههای مایس از چنگ اخیر صورت بسیار بدی بخود گرفته راه آهن ما بوضع فلاکت باری افتاده و در سالهای قبل بجهت ارز فراوانی با کمال بی انصافی در قبال یک مشت لکوموتور و واگن های فرسوده بخارجیان واگذار نمودند بعضی از متفقین که هنوز لطفی نفرموده اند و حساب مارا نپرداخته اند . و آنهم که چیزی دادند با این ترتیب چیزی هم فایدهشان شد . راه هراز که بهترین ، نزدیکترین و عملیترین راههای شمال است و در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر با زحمت و رنج فراوانی شروع و وارد عمل گردیده بود و قسمت اعظم آن فعلاً مورد استفاده و مختصری هم که باقیمانده با مختصر کاری با تمام میرسد فراموش گردیده میلیونها ریال مصالح ساختمانی آن از بین رفته ، دوستان ما هر چه در دوره قبل اصرار ورزیدند بجائی نرسیده ، حالا همه روز مارا امیدوار میسازند . گاهی بی پولی راعت میداندند وزارت راه هم که برنامه را مشمول مینماید . من باوجود اینکه ایراد و انتقاد اگر دولت شما تضمین نمینماید که ساختمان این راه در این سال جدید پایان

میباشد من از رفتاری هم فرا کسبونی و معنی خود تنها می نمودم که بشما ورقه مثبت دهند . شما اگر این را امید بدید بوضع مازندران وارد و محیط بودید لطفه تأمل نمی کردید و کوچکترین تأمل را گناهی عظیم میدانستید راه آهن ما بسیار فرسوده شده و اگر هر چه زودتر فکری نکند از دست خواهد رفت . شما خیلی متشکر که قریب شه هزار نفر بییکار را که اخیراً جلوی مجلس تظاهراتی می کردند بکار گماشتید ولی خیلی خوب بود که برای ساختمان راه هراز بکار می بردید .

در قسمت فرهنگ که دلم خونست . هر وقت چهره محترمانه علمین و رنج فراوانی که ایشان در تربیت انبیا این کشور بکار می برند از نظر میگذرانم بکسانی که باین طبقه منتهای ارادت و علاقه را بکار نمیرند نفرین میفرستم . این آقایان با کمال سختی معیشت می کنند بخدا کمتر از حقوق یک مستخدم جزء و حتی آشپز ، شوهر و نوکر منزل سر کار آقای ساعدی اینها میدید و فرزندان را باو میسیرید او با کمال محبت و علاقه بکار هر عزیزش را مصروف تربیت آقا زاده مینماید ، نه خانه دارد ، نه زندگی دارد ، زن و فرزندش گرسنه و برهنه اند ، زیرا نراه دزدی دارد و غالباً نه ارث پدری و چون این مقام را خیلی احترام نمیکند زن پولغاری هم کمتر نصیبش می شود ، به آینه خود و فرزندش هم اعتمادی ندارد . دیگر تعجب میکنم که چطور میتوان کار کند . حالا که قوزی هم بالای قوزشان آمده و هر مأمور کوچک و کثیف دستگاههای انضباطی بایک گزارش او را هزاران فرسخ از زن و زندگیش دور میدارد . اجرای قانون تعلیمات اجباری از زمان آقای دکتر سیاسی تا کنون همه آمده اند و گفته اند هیچ کاری نکرده اند . حالا هم مسلماً از این قماش است دانشکده پزشکی باوجود احتیاج فوق العاده به پزشک

بسیار ناقص و خرابست . تشکیلات اداریش هنوز نامنظم و اخیراً بصورت افتضاح آوری در آمده . قوانین و مقرراتش را بدلتواهم تعریف و تخریب میدهند . به استادانی که با کمال علاقه بکار و تربیت دانشجویان وقت هر ریز و گرانهای خود را میکدرانند منتهای اهانت و کم احترامی میشود . اولیای امورش جز اعمال نظرهای خصوصی کار دیگری ندارند . گذشته از بوظائف اجتماعی خود علاقمند نمیشاند و حال آنکه آنان از روزی که شروع به تحصیل این علم شریف نمودند خود را وقف جامعه نموده اند شما این طبقه را از هر مزیت اجتماعی که در تمام ممالک راقیه دارا میباشد محروم داشته اید بلاول چه امنیتی برای آنان فراهم فرموده اید تا هر نیمه شب از شما عیادت کنند . معینا اگر یک پزشک بمللی از قبول عیادت در هب خودداری کرد هباهوئی بیا میشود که نظیر آن دیده نمی شود مگر فراموش نشده که چند روز قبل در کاشان ناچار اندراندن پزشکی هنگامی که عیادت بیماری دعوت شده بود چه کردند (فقه زاده - کار بدی کردند) آقای شوشتری مگر بدتان رفت آقای دکتر شیخ الاسلامی که قوم و خویش شما بود بردند باین دستش را بستند و گفتند باید بول بدهی (شوشتری - دروغ بود) بهر حال باید هر چه دردناک بایک پزشک رفتار می کنند عمل کرد و انتظار مقابل داشت .

در قسمت وزارت کشور - متأسفانه معتمد تنها تقویت سازمانهای انضباطی کافی نیست بلکه تصفیه آنها مهمترین راه اصلاح کشور است . مردم هنوز از قیافه ژاندارم و پلیس احترازی می جویند هنوز نمیتوانند از دل آنان اعتماد داشته باشند . از حق نباید گذشت ایشان هم هر لحظه که اوضاع اجازه دهد از هر عمل فروگذار ننموده اند ممکنست گفته شود که در همه طبقات خاخی وجود دارد ولی باید دانست که اگر پزشکی مواد سمی بمقدار مهلک بکسی بخوراند گناه و جرمش عظیمتر تادیکری این عمل را انجام دهد (صحیح است) اینها باید محافظ و ناظم امور باشند . بهر حال باید اصلاح کرد بعد تقویت پلیس را تعظیم و تکریم نمود (صحیح است) هر چه سعی کردم این جمله را نگویم نتوانستم خودداری کنم . با اینکه به آقای رئیس شهربانی ارادت یافته ام ولی ناچارم یک نکته دیگر را بر سر آقایان برسانم . من تصور میکنم وظیفه اصلی شهربانی هم حفظ و حراست زندگي مردم از این سرتنجه و متوالی عجیب و غریب است . دیگر کار آگاهی کاین هر دو در کمال ضعف میباشد و حال آنکه فعلاً فعالیتی که در شهربانی دیده میشود مثلاً یک تریاکی را حش را شکستند و بایک قاب باز توی کوچه قایش را توقیف فرموده اند امسال رئیس شهربانی مازندران از هزار ژانر که عازم عتبات بود یک هزار ریال حد اقل باج سیل میگرفت و چند هزار نفر هم مشمول این باج شدند . بهر حال تصفیه و اصلاح آن مقدم بر تقویت آن خواهد بود .

قانون شهرداریها ظاهر آ در کمیسیون کشور و با کمال عجله گذشته بسیار مشکل و شاید نواقص بسیاری دارد و البته عمل هم مؤثر در تکمیل آن میباشد ولی تصور می کنم تجدید نظر در آن بر این مجلس واجب است و پیشنهاد آن بدولت لازم است . جلوگیری از تبلیغات مخالف بعهده تبلیغات و شهربانی است

۱ - باید وزارت بهداری با آنکه حق بود بجای همه این حرفها در این مورد صحبت کنم ولی در بعضی از مباحث آنجا که تناسب داشت ذکر می کرده ام و در اینجا عرض خود را به چند موضوع منحصر مینمایم .

۲ - درمان را بوسسات ملی مانند شهرداری و بالاخص سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی بین خود و خدا خوب کار میکنند کارهای اساسی دارد . آنچه گفته عمل کرده است . ۵۱ درمانگاه او در ۵۱ نقطه کشور هم اکنون دائر است و روزانه هزاران بیمار مستمند بدانجا مراجعه و تحت درمان قرار می گیرند و داری رایگان دریافت می دارند . آموزشگاه پرستاری اشرف بهلوی در تهران مسئله لاینحل پرورش پرستار را که رکن اعظم معالجه بیماران و مورد ابتلا کلیه بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی است حل کرده . مبارزه دامنه دار با تراغم که در ذوقول هم اکنون شروع کرده اند یکی از اقداماتی است که اگر سازمان دامن همت بکمر نیزد تا صد سال دیگر کسی باین فکر نمی افتاد . روی این اصل است که اینجانب وظیفه خود میدانم که از این سازمان مفید و خدمتگزار تشکر کنم و بقا و توسعه آنرا از خدا بخواهم .

از این طبقه همین راعتست . پزشکان باید دارای جامعه پزشکی قانونی باشند تا بتوان حقوق ایشان را محفوظ و هم مردم را از اشتباهات و ملامت های آنی که از طرف ایشان میشود مصون داشت . موضوع مهمی که ناروا در مورد پزشکان در هر جای بازرد خاص و عام شده است که متأسفانه تصور می رود این طبقه چنانچه باید و شاید بوظائف اجتماعی خود علاقمند نمیشاند و حال آنکه آنان از روزی که شروع به تحصیل این علم شریف نمودند خود را وقف جامعه نموده اند شما این طبقه را از هر مزیت اجتماعی که در تمام ممالک راقیه دارا میباشد محروم داشته اید بلاول چه امنیتی برای آنان فراهم فرموده اید تا هر نیمه شب از شما عیادت کنند . معینا اگر یک پزشک بمللی از قبول عیادت در هب خودداری کرد هباهوئی بیا میشود که نظیر آن دیده نمی شود مگر فراموش نشده که چند روز قبل در کاشان ناچار اندراندن پزشکی هنگامی که عیادت بیماری دعوت شده بود چه کردند (فقه زاده - کار بدی کردند) آقای شوشتری مگر بدتان رفت آقای دکتر شیخ الاسلامی که قوم و خویش شما بود بردند باین دستش را بستند و گفتند باید بول بدهی (شوشتری - دروغ بود) بهر حال باید هر چه دردناک بایک پزشک رفتار می کنند عمل کرد و انتظار مقابل داشت .

در قسمت وزارت پست و تلگراف و تلفن نامه های پستی ما همیشه بعد از وقت میرسد و تلگرافات گاهی بسرعت جایار میماند ولی لاف اول این امر با امانت بیابان میرسد (یکی از نمایندگان - انشاء الله بهتر میشود) اما تلفن که بهترین امر است این شرکت در زمان حکومت قبل از مشروطه شروع نموده و هنگام سلطنت مشروطه مانند سایر امتیازات بر حسب قانون اساسی باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد (صحیح است) نرسیده بلاول این دستگاه فقط عهده دار رل جاسوسی شخصی بعضی اولیای امور شرکت فقیه کل تلفن ایران میباشد که پول مردم را سالهاست گرفته و فایده نمیرند (صحیح است) و تلفنهای کاربری که اخیراً شروع شده با دستور این شرکت کل سبها ایشان را در راهها میبرند و میبرند تا استفاده از آن نشود (صحیح است) (یکی از نمایندگان - آقای تهرانی اصلاح خواهند کرد) انشاء الله . از ولایات هر چه با تلفن صحبت شود طرف و مخالف زودتر آگاه میشود ، اگر تاجر تلفن کند که بازار فلان جنس گرم است بجای طرف حریفش زودتر و بهتر استفاده از این خبر میکند . انتظار داریم که اولاً تلفنهای کاربری در تمام کشور معمول دارند ثانیاً بخدمت این شرکت کل خاتمه دهند و اما از نظر عمومی متأسفانه شما ۱۷ ماه زامدار کشور در حال قنرت بودید اگر توانا بودید ملک را بدین روز نمی انداختید و باری از دوش ملت بیچاره بر میداشتید . شما توجه فرمودید که وضع زندگی مردم در کمال سختی است ، نان ندارند منزل ندارند ، پوشاک بهداشت ، فرهنگ ندارند ، اهل حضرت هابون شاهنشاهی فرمودند که سلطنت بر گریستان اختیاری ندارد ، ملاحظه میفرمائید که از شخص اول مملکت تا افراد هادی از این وضع سخت بجان آمده اند شما هم برای خدا ، شاه و مردم از این فکر در گذرید و اجازه فرمائید شخصی توانا ورشد بیاید و کار مملکت و مردم را بهبود بخشد . با آنکه در کابینه شما افراد لایق و صالحی شرکت دارند و حق بود با احترام آنان حتی از صحبت هم خودداری کنم ولی چون شما اداره این دولت را عهده دارید ناچار آنچه بنظر میرسد عرض کنم و چون عقیده دارم شما مانع در کار آنها هم خواهید بود جز تقدیم ورقه کبود عرضی ندارم .

۳ - طرز و تربیت معالجه بیماران را در ایران بصورتی که مثلاً در انگلستان در آمده است معین دارند یعنی پزشکان تمام اوقات خود را در اختیار دولت بگذارند و در مقابل حقوقی که بر حسب قدمت خدمت و میزان مراجعه ایشانست معین شود و با بصورت قانون کلی در آید بهر حال آنها راه اصلاح و استفاده کامل

۴ - پزشکان باید دارای جامعه پزشکی قانونی باشند تا بتوان حقوق ایشان را محفوظ و هم مردم را از اشتباهات و ملامت های آنی که از طرف ایشان میشود مصون داشت . موضوع مهمی که ناروا در مورد پزشکان در هر جای بازرد خاص و عام شده است که متأسفانه تصور می رود این طبقه چنانچه باید و شاید بوظائف اجتماعی خود علاقمند نمیشاند و حال آنکه آنان از روزی که شروع به تحصیل این علم شریف نمودند خود را وقف جامعه نموده اند شما این طبقه را از هر مزیت اجتماعی که در تمام ممالک راقیه دارا میباشد محروم داشته اید بلاول چه امنیتی برای آنان فراهم فرموده اید تا هر نیمه شب از شما عیادت کنند . معینا اگر یک پزشک بمللی از قبول عیادت در هب خودداری کرد هباهوئی بیا میشود که نظیر آن دیده نمی شود مگر فراموش نشده که چند روز قبل در کاشان ناچار اندراندن پزشکی هنگامی که عیادت بیماری دعوت شده بود چه کردند (فقه زاده - کار بدی کردند) آقای شوشتری مگر بدتان رفت آقای دکتر شیخ الاسلامی که قوم و خویش شما بود بردند باین دستش را بستند و گفتند باید بول بدهی (شوشتری - دروغ بود) بهر حال باید هر چه دردناک بایک پزشک رفتار می کنند عمل کرد و انتظار مقابل داشت .

۱ - باید وزارت بهداری با آنکه حق بود بجای همه این حرفها در این مورد صحبت کنم ولی در بعضی از مباحث آنجا که تناسب داشت ذکر می کرده ام و در اینجا عرض خود را به چند موضوع منحصر مینمایم .

۲ - درمان را بوسسات ملی مانند شهرداری و بالاخص سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی بین خود و خدا خوب کار میکنند کارهای اساسی دارد . آنچه گفته عمل کرده است . ۵۱ درمانگاه او در ۵۱ نقطه کشور هم اکنون دائر است و روزانه هزاران بیمار مستمند بدانجا مراجعه و تحت درمان قرار می گیرند و داری رایگان دریافت می دارند . آموزشگاه پرستاری اشرف بهلوی در تهران مسئله لاینحل پرورش پرستار را که رکن اعظم معالجه بیماران و مورد ابتلا کلیه بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی است حل کرده . مبارزه دامنه دار با تراغم که در ذوقول هم اکنون شروع کرده اند یکی از اقداماتی است که اگر سازمان دامن همت بکمر نیزد تا صد سال دیگر کسی باین فکر نمی افتاد . روی این اصل است که اینجانب وظیفه خود میدانم که از این سازمان مفید و خدمتگزار تشکر کنم و بقا و توسعه آنرا از خدا بخواهم .

۳ - طرز و تربیت معالجه بیماران را در ایران بصورتی که مثلاً در انگلستان در آمده است معین دارند یعنی پزشکان تمام اوقات خود را در اختیار دولت بگذارند و در مقابل حقوقی که بر حسب قدمت خدمت و میزان مراجعه ایشانست معین شود و با بصورت قانون کلی در آید بهر حال آنها راه اصلاح و استفاده کامل

